نشریه علمی اندیشه نوین دینی
دوره ۱۹، پاییز ۱۴۰۲، شماره ۷۴
مقاله علمی ـ پژوهشی
صفحات: ۶۴ ـ ۴۵

Scientific Journal
ANDISHE-E-NOVIN-E-DINI
Vol. 19, Autumn 2023, No. 74
Scientific Research Article

واکاوی و نقد نتایج دیدگاه شیخ احمد احسائی در علت فاعلی دانستن ائمه

محمدعلی افضلی*

چکیده

شیخ احمد احسائی به عنوان رهبر شیخیه، ادعای علت فاعلی بودن ائمه در نظام آفرینش را به‌گونه استقلالی بیان کرده و نقش‌های فاعلی مهمی را به‌عنوان نتایج علت فاعلی دانستن آنان ترسیم کرده است که از جمله این نقش‌ها آفریدن موجودات، روزی دادن، زنده کردن، میراندن آنها و حسابرسی بندگان در قیامت است. همچنین احسائی اطاعت و عبادت را از طریق معصومین و برای ایشان ممکن دانسته و آنان را مصداق عبادات برشمرده است؛ که تحلیل و راستی‌آزمایی این ادعاهای رهبر شیخیه، مسئله این پژوهش بوده است. در این تحقیق به روش تحلیلی انتقادی به واکاوی و نقد دیدگاه احسائی پرداخته شد و آشکار گردید که ادعای احسائی سند معتبری ندارد و برداشت‌های او از آیات و روایات، ذوقی و استحسانی بوده و از طرفی مخالف باورهای بزرگان امامیه است.

واژگان کلیدی

شیخیه، احسائی، امامت، فاعلیت امام، علت فاعلی.

---

*. دانشجوی دکتری رشته مدرسی معارف اسلامی، گرایش قرآن و متون اسلامی دانشگاه معارف اسلامی.
m110afzali@gmial.com
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۲۵

طرح مسئله

جریان شیخیه به رهبری شیخ احمد احسائی (۱۲۴۱ ـ ۱۱۶۶ ق) و برخی از شاگردانش حدود دو قرن قبل در بستر امامیه شکل گرفت و پیروان این فرقه که از شیعیان دوازده امامی به حساب می‌آیند، «شیخیه» یعنی منسوبین به شیخ احمد احسائی نام گرفتند. (مشکور، ۱۳۸۷: ۲۶۸) احسائی دیدگاه‌های خاصی در برخی از مباحث اعتقادی و فقهی مطرح کرد که با عکس‌العمل بزرگان امامیه مواجه شد. او در موضوع امامت، بحث علل اربعه بودن ائمه‌علیهم‌السلام را در هستی بیان کرد و قائل به علت فاعلی دانستن آنان در هستی شد که از نتایج چنین باوری انتساب امور عالم مانند آفریدن و روزی دادن به امامان‌علیهم‌السلام است.

این ادعای رهبر شیخیه تاکنون به گونه روشمند و با مراجعه به آثار موجود احسائی تبیین و ارزیابی نشده است. نزدیکترین پژوهش‌ها به موضوع این نوشتار، مقاله‌ای است با عنوان «دیدگاه‌های غالیانه شیخیه درخصوص مقامات ائمه اطهارعلیهم‌السلام با محوریت اندیشه‌های شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی» نوشته مسلم محمدی و محمد محمدی که در شماره ۶۰ (بهار ۱۳۹۷) فصلنامه علمی پژوهشی ***انتظار موعود*** چاپ شده است.آن‌دو به صورت کلی به تبیین دیدگاه شیخ احمد احسائی و شاگردش سید کاظم رشتی در مورد مقامات ائمه‌علیهم‌السلام پرداخته‌اند که موضوع نتایج علت فاعلی دانستن امامان معصوم در نظام آفرینش مورد تبیین و ارزیابی قرار نگرفته است. مقاله دیگر در شماره ۵۳ (تابستان ۱۳۹۷) فصلنامه علمی پژوهشی ***اندیشه نوین دینی*** با عنوان «بررسی دیدگاه شیخیه کرمان در باب علیت ائمه برای عالم خلقت» نوشته حسین رهنمایی چاپ شده است. در این مقاله نیز که مربوط به شیخیه کرمان و دیدگاه رهبران آن است، فقط بخشی به موضوع علت فاعلی دانستن ائمه‌علیهم‌السلام اختصاص پیدا کرده و به نتایج و لوازم علت فاعلی دانستن امامان‌علیهم‌السلام نپرداخته است.

راقم سطور نیز دو مقاله دیگر را در موضوع علل اربعه و علت فاعلی به رشته تحریر درآورده که یک مقاله با عنوان «بررسی و نقد دلائل سیدکاظم رشتی و محمدکریم‌خان کرمانی در علت فاعلی دانستن ائمه‌علیهم‌السلام» (افضلی، ۱۳۹۸: ۱۵۲ ـ ۱۳۵) است که در شماره ۶۵ مجله ***انتظار موعود*** چاپ و منتشر شد. همان‌طور که از عنوان مقاله پیداست، دیدگاه دو رهبر شیخیه یعنی رشتی و کرمانی در مسئله علت فاعلی دانستن ائمه‌علیهم‌السلام مورد بررسی و نقد قرار گرفت. در مقاله دوم در فصلنامه اندیشه نوین دینی شماره ۷۰ با عنوان «بررسی و نقد دیدگاه شیخ احمد احسائی در علت فاعلی دانستن ائمه‌علیهم‌السلام در نظام آفرینش» تنها اصل دیدگاه شیخ احمد در موضوع علت فاعلی دانستن امامان‌علیهم‌السلام تبیین و نقد شده و نتایج علت فاعلی دانستن امامان بیان نشده و ادله احسائی در اثبات نتایج علت فاعلی دانستن امامان تبیین نگردیده و بررسی و نقد مستندات شیخ احسائی در اثبات این نتایج مورد توجه قرار نگرفته است که همین موضوع،

محور کار پژوهشی نوشتار حاضر است و پرداختن به نتایج علت فاعلی دانستن ائمه علیهم السلام و بررسی و نقد ادله احسائی در این زمینه، کاری نو و پژوهشی جدید بوده و در بین مقالاتْ نظیری برای آن یافت نشد.

بنابراین در این مقاله بعد از تبیین نظریه علت فاعلی دانستن ائمه علیهم السلام و فاعلیت تامه آنان در دیدگاه شیخ احمد احسائی، با رویکردی تحلیلی و انتقادی به تبیین نتایج نظریه احسائی در موضوع علت فاعلی خواندن امامان علیهم السلام پرداخته خواهد شد و نتایج آن در سه حوزه نقش امامان در امور چهارگانه (آفرینش، روزی دادن، زندگی بخشیدن و میراندن) و مهم هستی، «اطاعت و عبادت امامان و نقش فاعلی ائمه در جهان آخرت» بررسی و تحلیل می‌شود و ادله احسائی برای چنین ادعایی، واکاوی و ارزیابی خواهد شد و به‌طور کل دیدگاه رهبر شیخیه در انتساب همه امور مهم هستی به ائمه علیهم السلام به‌عنوان علت فاعلی انحصاری، مورد بررسی و نقد قرار خواهد گرفت.

دیدگاه احسائی در تبیین نقش فاعلی ائمه علیهم السلام در نظام آفرینش

موضوع علل اربعه ازجمله علت فاعلی دانستن ائمه علیهم السلام در نظام آفرینش از باورهای مهم شیخ احمد احسائی به حساب می‌آید که انتقادهای فراوانی را به وجود آورده است که راقم سطور در مقاله‌ای دیگر به تحلیل و نقد تفصیلی آن پرداخته است؛ اما به‌طور خلاصه احسائی معتقد است که خداوندْ معصومین علیهم السلام را علت ایجاد و آفرینش همه موجودات و هر فعلی در هستی قرار داده است. او در بسیاری از عباراتش همه امور را منحصر در ائمه علیهم السلام دانسته و به صراحت چهار امر مهم عالم را فقط از مسیر ایشان جاری می‌داند. او می‌نویسد:

> أنْ لایکون له سبحانه طریق و لا باب تفیض منه عطایاه و امداداته غیرهم، فهم صراطه في علمه بخلقه و قدرته علیهم ... و جمیع ما بهم منه من خلقٍ و رزقٍ و موتٍ و حیوة. (احسائی، بی‌تا ب: ۱ / ۲۸۷)
>
> هیچ راهی برای خداوند و رسیدن فیض، عنایات و هدایای او به مخلوقات جز راه ائمه علیهم السلام نیست و اهل بیت علیهم السلام راه رسیدن خدا به علم نسبت به مخلوقاتش هستند و آنها راه تحقق‌پیداکردن قدرت خداوند بر بندگانند ... و آنها در همه امور مربوط به مخلوقات از آفریدن و روزی دادن و مرگ و زندگی، مسیر انجام همه امور در عالم هستند.

احسائی بر این باور است که مخلوقات جز به‌واسطه نور ائمه علیهم السلام آفریده نمی‌شوند. (همان: ۲۷۵) و از لوازم تنها راه واسطه فیض الهی بودن ائمه علیهم السلام، این است که موجودات فقط به دست آنها آفریده شوند. (همان: ۲ / ۵۳) او چنان شمول و عمومیتی برای علت فاعلی دانستن ائمه علیهم السلام قائل است که این باورِ

خود را در همه جهات هستی امتداد داده و ائمه‌ﷺ را دارای نقشی علّی و فاعلی انحصاری در همه امور عالم دانسته است. (همو، بی‌تا الف: ۱ / ۲۸۷) زیرا همان‌طور که شاگردان او، این موضوع را تشریح کرده‌اند از دیدگاه بزرگان شیخیه خداوند نمی‌تواند علت فاعلی در آفرینش باشد و الا دچار نقص در ذات خواهد شد؛ ازاین‌رو سیدکاظم رشتی دراین‌باره می‌گوید: «**اما العلة فلایصحّ اطلاقها علی الله ای علی الذات البحت بوجه من الوجوه**». (رشتی، بی‌تا: ۳۸۳) یعنی اطلاق علت بودن بر ذات خداوند به‌هیچ‌وجه صحیح نیست. وی پس از تبیین دیدگاه احسائی، چنین می‌نویسد: «**فکلّ واحد منهم علة تامة مستقلة في الوجود ...**»؛ (همان: ۲۲۲) یعنی هر کدام از ائمه‌ﷺ علت تامه برای ایجاد عالم است و در وجود، مستقل از دیگری هستند ... . لازمه این دیدگاه احسائی و شاگردانش، استقلال در علت فاعلی بودن و فاعلیت تامه داشتن ائمه‌ﷺ است همان‌گونه که میرزا محمدباقر اسکوئی از بزرگان شیخیه، از تأیید این برداشت و نتیجه، شانی خالی نکرده و براساس دیدگاه مشایخ خود علت فاعلی بودن ائمه‌ﷺ را استقلالی می‌خواند و می‌گوید:

> فالمنصف إذا نظر الی الأخبار بعین الدقّة و الإعتبار و جانب التعصّب والأغیار، عرف بلاغبار انّها لا تنافي ما ذکرنا من التفویض الحق؛ بل کلّها ظاهرة في التفویض المتعارف عند العرف و هو الاستقلال و منصرفة الیه لأنّه الفرد الشایع. (اسکوئی، ۱۳۸۵: ۳۹۶ ـ ۳۹۵)
>
> انسان با انصاف وقتی به روایات بادقّت و به‌دور از تعصّب نگاه می‌کند به‌راحتی می‌فهمد که علت فاعلی دانستن ائمه‌ﷺ با معنای صحیح تفویض منافات ندارد؛ بلکه همه آن جمله‌ها و اخبار، در تفویض متعارف نزد مردم ظهور دارد و آن تفویض متعارف نزد عرف مردم همان تفویض و واگذاری استقلالی است؛ زیرا فرد شایع از تفویض نیز، همین استقلالی بودن است.

بنابراین این سخن اسکوئی مؤیّد برداشت استقلالیت از کلام شیخ احمد احسائی است که تبیین تفصیلی و چرایی این اعتقاد شیخ و دیگر بزرگان شیخیه خارج از موضوع این مقاله است و ما آن را در نوشته‌های دیگر ازجمله مقاله «بررسی و نقد دیدگاه شیخ احمد احسائی در علت فاعلی دانستن ائمه‌ﷺ در نظام آفرینش» مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌ایم.

۱. تبیین نتایج نظریه فاعلیت تامه ائمه‌ﷺ در امور مهم هستی (خلق، رزق، إحیاء و إماته)

شیخ احمد احسائی پس از تبیین علت فاعلی بودن تامه ائمه‌ﷺ در هستی، انجام مهم‌ترین کارهای عالم امکان توسط آنان را از نتایج این دیدگاه خود دانسته است. از دیدگاه او مهم‌ترین امور هستی، چهار امر و

رکن اصلی یعنی خلق (آفرینش)، رزق (روزی دادن)، إحیاء (زندگی بخشیدن) و إماته (میراندن) است.

احسائی درباره امور چهارگانه موجودات عالم در آثار خود ازجمله کتاب ***شرح عرشیه*** مطالب زیادی را بیان کرده است. او بر این باور است همه امور عالم در این چهار چیز یا ارکان اربعه خلاصه می‌شود؛ اموری مربوط به خلقت و آفرینش موجودات، اموری مربوط به رزق و هرآنچه شخص از آن بهره می‌برد که با دو رکن دیگر یعنی زندگی و مرگ، چهار امر اساسی عالم را تشکیل می‌دهند. (احسائی، بی‌تا ب: ۲ / ۲۵۱) ازاین‌رو شیخ احمد احسائی، هرآنچه را بنده به آن محتاج است و در دنیا برای او در نظر گرفته شده در این امور و ارکان چهارگانه (خلق، رزق، حیات و ممات) جمع می‌داند و معصومین‌علیهم‌السلام را علت فاعلی و انجام‌دهنده این امور چهارگانه و مهم در عالم می‌خواند.

تحلیل حیطه تصرّف ائمه‌علیهم‌السلام در امور چهارگانه هستی

احسائی در برخی عبارات خود این مطلب که ائمه‌علیهم‌السلام مسیرِ روزی رسیدن به مخلوقات یا وسیله خلق شدن، به دنیا آمدن و از دنیا رفتن هستند را با عبارت‌های مختلفی بیان کرده است. او در جایی چنین می‌گوید:

> هم‌علیهم‌السلام صراط اللّه اي طريق اللّه الى خلقه في الخلق و الرزق و الحيوة و الممات و هم طريق الخلق الى اللّه في جميع مطالبهم في ذرات الأمور الأربعة المذكورة الّتي هي اركان ما في الأمكان. (همو، بی‌تا الف: ۱ / ۲۸۶)
>
> ائمه‌علیهم‌السلام واسطه و وسیله ارتباط بین خدا و خلقش هستند و این واسطه‌گری در امور چهارگانه خلق شدن، روزی پیداکردن و زندگی و مُردن است که این امور چهارگانه همان ارکان عالم امکانند؛ پس این ذوات مقدّس، راه و پل ارتباطی بین خدا و همه مخلوقاتند.

از این عبارت احسائی که قابل جمع با مبانی او نیست، فهمیده می‌شود که ائمه‌علیهم‌السلام واسطه فیض بین خدا و مردم هستند و در این جمله او، ارتباط مردم با خدای خودشان را فقط از طریق ائمه‌علیهم‌السلام محقّق نمی‌داند و ارتباط مستقیم با خداوند نیز ممکن دانسته شده است.

رهبر شیخیه براساس مبانی خود، در بسیاری از عباراتش همه راه‌ها را منحصر در ائمه‌علیهم‌السلام دانسته و ارکان اربعه عالم را فقط از مسیر آنان جاری می‌داند. برای نمونه به حصر موجود در مفاد این کلام او دقت کنید:

> انْ لايكون له سبحانه طريق و لا باب تفيض منه عطاياه و امداداته غيرهم فهم صراطه في علمه بخلقه و قدرته عليهم ... و جميع ما بهم منه من خلقٍ و رزقٍ و موتٍ و حيوة و هذا في الحقيقة معنى كونهم تراجمةً لأنّهم يترجمون الوحي بما تفهم الخلائق. (همان: ۱ / ۲۸۷)

یعنی هیچ راهی برای رساندن فیض و بخشش‌ها و نعمت‌های خداوند به موجودات هستی نیست، جز راه ائمه‌علیهم‌السلام. احسائی راه علم پیدا کردن، قدرت یافتن و شنیدن کلام مخلوقات و حتی دیدن آنها را جز به‌وسیله ائمه‌علیهم‌السلام ممکن نمی‌داند و این دیدگاه را برداشت‌شده از کلام امام هادی‌علیه‌السلام در زیارت جامعه در فراز «هم تراجمةً لوحي الله» می‌داند و در شرح آن فراز، چنین سخنی را بیان می‌کند، درحالی‌که این فراز گویای معنای دیگری است و آنچه در این کلام اهمیت دارد، حصر علم و قدرت خدا، شنیدن کلام بندگان و دیدن آنها در ائمه‌علیهم‌السلام، از طریق این ذوات مقدّس است.

شیخ احمد احسائی در کتاب ***شرح الزیارة الجامعة الکبیرة*** خود می‌گوید: هرچه از خلق و رزق و حیات و ممات به کسی می‌رسد، فقطوفقط از راه ائمه‌علیهم‌السلام است. (همان: ۴ / ۲۷۹) او معتقد است امور اربعه عالم منحصراً از طریق ائمه‌علیهم‌السلام محقق می‌شود. احسائی در کتاب ***شرح العرشیة*** خود نیز این مطلب را بارها بیان کرده است. (همو، بی‌تا ب: ۳ / ۵۷)

سخنان شیخ و نوشته‌های او گاهی عمومیّت بیشتری پیدا کرده و امور مخلوقات را در همه عوالم و عرصه‌ها به ائمه‌علیهم‌السلام و پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله واگذارشده می‌داند. برای نمونه او دراین‌باره می‌گوید:

> انه تعالی انّما اقام محمداً (صلی الله علیه و آله) في سائر عالمِه في الاداء مَقامَهُ اي في اداء جميع ما اراد ايصاله الى خلقه من خلقٍ و رزقٍ و حيوةٍ و مماتٍ ممّا يتعلّق بعقولهم و نفوسهم و اجسامهم في الدنيا والاخرة. (همو، بی‌تا الف: ۴ / ۱۹۹)

این کلام شیخ گویای این است که پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله به‌عنوان مصداق بارز علت فاعلی در عالم، نه‌تنها در دنیا و آخرت بلکه در همه عوالم، هرآنچه را خدا بخواهد به خلقش برساند راهبری می‌کند. ازاین‌رو آفرینش موجودات، روزی دادن، زندگی و مرگشان همگی در دست آن وجود مقدس است و پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه‌علیهم‌السلام تنها علت فاعلی ایجاد و اداره هستی‌اند. (همو، بی‌تا الف: ۱ / ۲۸۷) این ادعای بزرگی است که نیازمند پشتوانه‌ای قوی و دلایلی محکم است و الا کلامی بدون دلیل بوده و پذیرفتنی نیست.

ادله شیخ احمد احسائی در فاعلیت تامه ائمه‌علیهم‌السلام در ارکان اربعه و نقد آنها

شیخ احمد احسائی، بعد از تبیین دیدگاه خود در نتایج علت فاعلی بودن ائمه‌علیهم‌السلام و محدوده تصرّفات ایشان در امور چهارگانه مهم در هستی، مستندات و مؤیدهای باور خود را به این موضوع بیان کرده است که در ذیل به بررسی و ارزیابی مهم‌ترین این ادله پرداخته می‌شود:

دلیل اول

شیخ در جلد آغازین کتاب ***شرح الزیارة*** همه احتیاجات مخلوقات و بندگان را در پناه ائمه‌علیهم‌السلام می‌داند و

آنان را چه در امور کلی مثل خلق و رزق و چه در امور جزیی مانند تغذیه و رشد، نیازمند معصومین علیهم السلام می‌خواند. (همان: ۱۴۰) وی برای این ادّعا که از نتایج فاعلیت تامه ائمه علیهم السلام است، به جمله‌ای از کلام منسوب به امام سجاد علیه السلام استناد می‌کند و آن را چنین نقل کرده است:

> و هو قول علي بن الحسين علیه السلام: الهي وقف السائلون ببابك و لاذ الفقراء بجنابك يا شافي يا كافي يا معافي يا ارحم الراحمين. (همان)

یعنی خدایا گدایان، درِ خانه تو ایستاده‌اند و به کنار بارگاه تو پناه آورده‌اند، ای شفادهنده ... .

بررسی و نقد

اولاً ما برای این فقره از دعا، سندی پیدا نکردیم و خود شیخ نیز مدرکی را برای آن بیان نمی‌کند. در ***صحیفه سجّادیه*** نیز چنین دعایی را نیافتیم. پس این جمله قابل استناد و استدلال نیست. ثانیاً اگر با توجه به روایات که اهل بیت را باب الله خطاب کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۴۳۷) بیان کنیم که مراد حضرت این است گدایان بر در خانه ابواب الهی یعنی اهل بیت علیهم السلام ایستاده‌اند، این دلیل، ارتباطی با ادعای احسائی و موضوع علت فاعلی بودن امامان و نتایج آن ندارد. ازاین‌رو معلوم نیست که شیخ به چه مطلبی از این دعا استناد کرده و چگونه از این دعای حضرت استفاده می‌کند که مردم در خلقت، روزی گرفتن، زندگی و مرگ، گدای در خانه ائمه علیهم السلام هستند و نیازمند فاعلیت آنان می‌باشند. ازاین‌رو دلیل شیخ احمد احسائی، دیدگاه او را ثابت نکرده و حتی تأیید نمی‌کند.

دلیل دوم

گاهی در آثار شیخ به آیاتی به‌عنوان دلیل و مستند اشاره شده که به‌عنوان نمونه شیخ در کتاب ***شرح العرشیة*** به چند آیه استناد کرده است. او می‌گوید:

> قد اقام نبيه صلی الله علیه و آله مقامه في ساير عالمه في الاداء اي: فيما يريد ان يؤدّيه الى خلقه من خلق او رزق او حياة او مماة اذ كان تعالي لاتدركه الابصار و هو يدرك الابصار ... انّ الله يأمركم ان تؤدوا الامانات الى اهلها. (احسائی، بی‌تا ب: ۳ / ۲۴۰)

یعنی خداوند پیامبرش را در جایگاه خود قرار داده تا آنچه را از امور عالم که اراده کرده نسبت به مخلوقات محقق شود؛ اعم از آفریدن، روزی دادن، زندگی بخشیدن و میراندن توسط پیامبر صلی الله علیه و آله انجام بگیرد. احسائی برای این ادعا به دو آیه ۱۰۳ سوره انعام و ۵۸ سوره نساء استناد کرده است. در آیه اول بحث عدم رؤیت جسمانی الهی مطرح گردیده است و در آیه دوم موضوع دادن امانات به اهلش بیان شده

است که با توجه به استناد احسائی به این آیات به‌نظر می‌آید شیخ احمد مقام علت فاعلی بودن را امانتی دانسته که فقط به ائمه‌علیهم‌السلام داده شده است.

بررسی و نقد

آیات مورد استناد احسائی نیز ارتباطی به بحث علت فاعلی بودن امامان‌علیهم‌السلام ندارند و هیچ کدام از این دو آیه، بحث واگذاری امور اربعه عالم به ائمه‌علیهم‌السلام را ثابت نمی‌کنند و صرفاً یک برداشت استحسانی و ذوقی از آیات قرآن است؛ مگر اینکه از دلایل دیگری ثابت شود که این امور مهم (مثل آفریدن و روزی دادن) به‌عنوان امانتی در دست ائمه‌علیهم‌السلام هستند و آنان باید این امور چهارگانه بلکه همه احتیاجات مخلوقات را برآورده کنند که چنین دلیلی در آثار شیخ و پیروانش دیده نشد؛ بلکه روایاتی در مردود دانستن این دیدگاه وجود دارد. ازجمله اینکه امام رضاعلیه‌السلام در کلامی آشکارا موضوع تفویض را بیان می‌کنند و می‌فرمایند:

> من زعم أنّ الله عزوجل فوّض امر الخلق والرزق الی حججه فقد قال بالتّفویض والقائل بالتّفویض مشرك. (صدوق، ۱۳۷۸: ۱۲۴)

حضرت در این سخن، معنای تفویض یعنی واگذار کردن امر آفرینش و روزی دادن به امامان‌علیهم‌السلام را مشخص کرده و قائل به تفویض را مشرک می‌دانند.

در روایتی دیگر امام صادق‌علیه‌السلام در ردّ افرادی که رزق و خلق بندگان را به ائمه نسبت می‌دادند فرمود:

> به خداوند سوگند، ارزاق ما را جز خدا تقریر نمی‌کند و من خود به غذایی برای خانواده‌ام احتیاج داشتم. سینه‌ام تنگ و فکرم مشغول شد تا آنکه رزق آنان را تأمین کردم و نفسی به‌راحتی کشیدم. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۵ / ۱۰)

بنابراین در سخنان امامان شیعه روایاتی موجود است که حضرات معصومین‌علیهم‌السلام حتی ادّعای واگذاری کامل رزق و خلق را به ائمه‌علیهم‌السلام نفی کرده‌اند؛ اگرچه شیخ که به‌دنبال تحمیل دیدگاه خود بر روایات است، بعضی از روایات غیرسازگار با دیدگاه‌اش را تقیّه‌ای می‌داند که این نیز کلامی بدون دلیل از احسائی است و اصل عدم تقیه‌ای بودن سخنان آنهاست. جمع بین روایات اهل بیت‌علیهم‌السلام به ما می‌فهماند که نسبت واسطه فیض بودن به معصومین در برخی امور هستی خالی از اشکال است ولی عدم نقش فاعلی قائل شدن برای خداوند و انتساب همه امور عالم و به صورت استقلالی به اهل بیت‌علیهم‌السلام، خلاف روایات و ادله عقلی است.

۲. تبیین نتایج فاعلیت تامه ائمه‌علیهم‌السلام در موضوع اطاعت و عبادت امامان‌علیهم‌السلام

شیخ احمد احسائی در نوشته‌های خود مباحثی را درباره اطاعت از ائمه‌علیهم‌السلام مطرح کرده است و اطاعت از

معصومین‌ﷺ را در طول اطاعت خدا تصویر کرده است. (احسائی، بی‌تا الف: ۲ / ۱۳۱) به‌عنوان نمونه شیخ احمد دراین‌باره می‌گوید: «**فاعبد اللّه بالطّاعة لأمیرالمؤمنین‌ﷺ**». (همان: ۱ / ۴۰۴) یعنی عبادت کنید خدا را با اطاعت از امیرمؤمنان‌ﷺ. ولی از برخی جملات او، مطالبی فراتر از اطاعت از ائمه‌ﷺ دانسته می‌شود که از نتایج علت فاعلی دانستن ائمه‌ﷺ در هستی است.

احسائی در بخش‌هایی از آثارش به صراحت انسان‌ها را بندگان ائمه‌ﷺ برشمرده و عبادت در مقابل امام را لازم می‌داند؛ ازجمله عبارت‌هایی که دیدگاه شیخ در آن به روشنی بیان شده است این عبارت اوست: «**انّ العباد عباد لهم عباد طاعةٍ و انّما الکلام في انّ العباد عباد لهم عباد رقٍّ**» (همان: ۷۵) شیخ در این کلام انسان‌ها را بندگانِ ائمه‌ﷺ دانسته، آن‌هم بندگان در اطاعت ایشان و بندگان ائمه‌ﷺ در عبودیّت و بندگی. این عبارت گویای دیدگاه شیخ احمد احسائی در لزوم عبادت برای ائمه‌ﷺ است. اگرچه در ادامه همین جملات، او اعتراف می‌کند که ائمه‌ﷺ موضوع رقّیّت و عبادت خود را بیان نکرده‌اند ولی دراین‌باره تقیه نموده‌اند.

در این سخن، که حرف جدیدی از شیخ به‌شمار می‌آید، فقط بحث اطاعت ائمه‌ﷺ مطرح نشده تا بتوان آن را توجیه کرد. بلکه عبادت و رقیّت در مقابل امامان‌ﷺ بیان شده است؛ زیرا واژه «رقّ» در کتاب‌های واژه‌شناسی عربی به‌معنای عبودیّت است. (طریحی، ۱۳۷۵: ۵ / ۱۷۲؛ راغب، ۱۴۲۵: ۳۶۱)

البته مفاد این جمله نقل‌شده از احسائی در بخش‌های دیگر کتاب‌های او نیز تکرار شده است و این کلام شیخ احمد متفرّد و منحصر به این جمله نیست. به‌عنوان نمونه احسائی در کلامی نسبتاً طولانی، با تکرار دیدگاه خود در لزوم عبادت ائمه‌ﷺ، مصادیق این عبادت را هم مشخص کرده است و می‌گوید:

> عبادت به‌طور کل منحصر در ائمه‌ﷺ است؛ برای اینکه تسبیح، تقدیس، تحمید، تکبیر، تهلیل، خضوع و خشوع، رکوع و سجود و همه مصادیق تامّ عبادات و انواع آنها، بلکه در اصل معنا و مفهوم عبودیّت همگی اسامی هستند که معانی آنها ائمه‌ﷺ می‌باشند؛ همان کسانی که خدا آنان را برای خود و آفرینش را برای آنها خلق کرد و این افراد همان اسماء حسنای الهی‌اند و در قرآن، خداوند مردم را به‌سوی آنان فراخوانده است. (احسائی، بی‌تا الف: ۱ / ۴۰۲)

این سخن شیخ احمد احسائی شامل چند نکته است. اولاً عبادت منحصر در ائمه‌ﷺ است. یعنی عبادتِ مستقیم خداوند معنایی ندارد. ثانیاً مراد از عبادت، فقط اطاعت از دستورهای ائمه‌ﷺ نیست، بلکه مصادیق عینی عبادت ذکر شده است مثل رکوع، سجود و انواع عبادات دیگر. ثالثاً در این کلام، خدا را فاقد اسماء و صفات معرفی کرده و صفات و اسماء را در ائمه‌ﷺ محقّق دیده است که باید گفت بنابر

دیدگاه شیخ احمد احسائی ائمه‌علیهم‌السلام فقط آئینه یا محلّ تجلّی و ظهور عینی اسماء و صفات الهی نیستند، بلکه آنها خود اسماء و صفات اویند و خدا اسماء و صفاتی غیر از معصومین‌علیهم‌السلام ندارد که برای فهم چگونگی اثبات چنین ادعاهای بزرگی، باید دلایلی محکم و متقن ارائه شود.

ارزیابی ادله احسائی در لزوم عبادت ائمه‌علیهم‌السلام

شیخ احمد احسائی در بعضی از کتاب‌های خود برای دیدگاه عبادت ائمه‌علیهم‌السلام که از نتایج مقام فاعلی و علیت تامه آنان در نظام آفرینش است مستندات و ادله‌ای بیان کرده است:

دلیل اول

احسائی به روایتی از امام حسین‌علیه‌السلام استناد کرده و آن را چنین نقل نموده است:

> و لهذا قال الحسین‌علیه‌السلام في الحدیث المتقدّم لعبداللّه بن شدّاد واللّهِ ماخلق اللّه شیئاً الّا و قد امره بالطاعةِ لنا. (همان: ۱ / ۲۷۴)

یعنی امام حسین‌علیه‌السلام به فردی به نام عبدالله بن شدّاد فرموده‌اند: قسم به خدا، هیچ‌چیز را خداوند خلق نکرد مگر اینکه به او دستور داد اطاعت از ما ائمه‌علیهم‌السلام کند؛ لذا شیخ از این روایت نتیجه می‌گیرد که به ما دستور داده شده است تا از امامان خود اطاعت کرده و آنها را عبادت نماییم.

بررسی و نقد

اولاً این روایت در مصادر اولیه و معتبر شیعه نیست و در کتاب ***مناقب آل ابی‌طالب*** نوشته ابن‌شهرآشوب به صورت مرسل آمده و سند معتبری برای آن یافت نشد. (ابن‌شهرآشوب، ۱۳۷۹: ۴ / ۵۲) ثانیاً این روایت، اثبات‌کننده دیدگاه شیخ در انحصار عبادت و پرستش در ائمه‌علیهم‌السلام و بندگی آنها نیست و محتوای کلام منسوب به امام حسین‌علیه‌السلام گویای چنین مطلبی نیست؛ بلکه می‌تواند به ولایت تکوینی و تشریعی حضرات معصومین‌علیهم‌السلام اشاره داشته باشد که به اذن خداوند بر همه هستی ولایت دارند و به بندگان دستور داده شده تا از فرامین ایشان اطاعت کنند، نه اینکه باید ائمه‌علیهم‌السلام را عبادت کرد. بین اطاعت از دستورات آنان‌که فرستادگان الهی هستند و عبادت و رقیّت در مقابل آنها که مخصوص خداوند است، تفاوت زیادی است.

دلیل دوم

شیخ احمد مستند روایی دیگری را در تأیید دیدگاه خود بیان کرده و آن را این‌گونه نقل کرده است:

> قوله‌علیه‌السلام یا مفضّل انّ اللّهَ خلقنا من نوره و خلق شیعتنا منّا و سائر الخلق في النّار، بنا یطاع اللّه و بنا یُعْصی ... . (احسائی، بی‌تا الف: ۴ / ۱۴۲)

در این روایت، امام صادق علیه السلام به مفضّل می‌فرماید: خداوند ما اهل بیت علیهم السلام را از نور خود آفرید و شیعیان ما را از نور ما خلق کرد و دیگران در آتش‌اند. (پس) به‌واسطه ما خداوند اطاعت و معصیت می‌شود.

بررسی و نقد

شیخ احمد احسائی حدیث بیان شده را بدون آوردن منبع و مأخذ آن نقل می‌کند. اما علامه مجلسی این روایت را در ***بحار الأنوار*** از تفسیر فرات کوفی نقل کرده است و ادعا شده روایتی دارای سند متصل (معنعن) است و مرسل نیست؛ ولی سند روایت به‌صورت مرسل از مفضّل بن عمر نقل شده است؛ اگرچه می‌توان سند این روایت را به‌دلیل منتهی شدن به مفضّل بن عمر که از اصحاب اجماع است صحیح به‌شمار آورد. ولی مراد از این قاعده رجالی و نحوه پیاده‌سازی آن در مباحث فقهی اجتهادی دارای اختلافات زیادی بوده و مخالفینی دارد. (زرگوش‌نسب، آل‌بویه و سلیمی، ۱۳۹۲: ۴۵ ـ ۳۲) و از طرفی مربوط به مباحث فقهی است. ازاین‌رو باید مفهوم و مفاد این روایت را مورد ارزیابی قرار داد.

از حیث محتوا و مفاد روایت باید گفت اولاً محتوای این روایتِ منسوب به امام صادق علیه السلام، در احادیث دیگر تکرار نشده است. ثانیاً حرف «باء» در جمله «بنا یطاع الله»، سببیت یا استعانت است و مصداق اطاعت خداوند دانسته شده است. ازاین‌رو می‌توان گفت ملاک تحقّق اطاعت و معصیت الهی اهل بیت علیهم السلام هستند و عمل به دستورات آنها اطاعت خدا را محقق می‌کند و نافرمانی از دستورات ایشان، نافرمانی در مقابل خداست. ثالثاً در بخشی از این روایت به صراحت بیان شده «و سائر الخلق في النار» که مفاد آن، در تعارض با روایات دیگر شیعه است و ناسازگار با آنهاست؛ پس این جمله اخیر از حدیث قابل استناد نیست و یا نیازمند تأویل است و جملات قبل آن ادعای شیخ را در عبادت ائمه علیهم السلام ثابت نمی‌کند.

بنابراین در صورت صحت انتساب روایت به امام علیه السلام و رفع مشکلات سندی و دلالی (محتوایی) آن، امام علیه السلام به صراحت اطاعت و عبادت را به خدا نسبت داده (یطاع الله) و اهل بیت علیهم السلام را ملاک سنجش و تحقّق اطاعت و معصیت الهی یا مبیّن آن معرفی نموده است و نقش ائمه علیهم السلام در هدایت‌گری و راهنمایی انسان‌ها برای فهم عبادت و اطاعت الهی را بیان کرده است که این مفاد در دیگر روایات شیعه نیز آمده است. برای نمونه امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «**بعبادتنا عبد الله عزوّجل و لولانا ما عبدالله**». (کلینی، ۱۳۷۵: ۲ / ۹۸) یعنی ائمه‌اند که راه و رسم عبادت را به مردم می‌آموزند و اگر آنها خدا را عبادت نمی‌کردند کسی عبادت خدا را نمی‌آموخت.

دلیل سوم

شیخ احمد احسائی دلیل دیگری را بیان می‌کند که به‌ظاهر، کلام او را تا حدودی تأیید می‌کند. او روایتی

منسوب به امام صادق‌ؑ را بیان می‌کند که حضرت در پاسخ به پرسش راوی، مصداق بعضی از عبادات را ائمه‌ؑ می‌داند. احسائی این روایت را چنین نقل می‌کند:

> فقال‌ؑ یا داود نحنُ الصلوة في کتاب اللّه عزّوجلّ و نحن الزکوة و نحن الصیام و نحن الحج و نحن الشهر الحرام و نحن کعبة الله و نحن قبلة الله و نحن وجه الله ... . (احسائی، بی‌تا الف: ۳ / ۲۲۹)
>
> ای داوود ما مصداق نماز در کتاب خدائیم؛ ما همان زکات و روزه و حج و ماه حرام و کعبه و قبله و وجه خدائیم ... .

بررسی و نقد

از حیث سندی منبع این روایت کتاب ***مشارق انوار الیقین فی أسرار امیرالمؤمنین***ؑ (برسی، ۱۴۱۹: ۲۶۱) رجب بن محمد حافظ برسی است که در ضمن خطبه‌ای، معروف به خطبه افتخار نقل شده است. این سخن منسوب به امیرالمؤمنین‌ؑ با خطبه‌های دیگری مثل خطبه تطنجیه و خطبه بیان در این کتاب بیان شده‌اند که بررسی محتوا و اعتبار این کتاب و این خطبه‌ها نیازمند نوشته‌ای مجزا و مفصّل است و در اینجا به چند نکته اشاره می‌شود:

اولاً برخی محقّقین از لقب حافظ که در میان اهل‌سنت رواج دارد، برای نویسنده کتاب یعنی رجب برسی استفاده کرده‌اند که او سنی‌مذهب بوده است (صادقی، ۱۳۸۳: ۵۵) و کتاب او نزد شیعیان معتبر نیست. ثانیاً رجب برسی متّهم به غلو است و محدّثین و محقّقین شیعه به مطالب او که فقط او نقل‌کننده آنهاست اعتماد نمی‌کنند. مثلاً شیخ حر عاملی درباره او می‌گوید:

> او صاحب کتاب مشارق است که در کتابش افراط وجود دارد و گاهی نسبت غلو به آن داده می‌شود. (حرّ عاملی، ۱۳۸۵: ۲ / ۱۱۷)

همچنین علاّمه مجلسی نیز با آنکه در کتاب ***بحارالأنوار*** از کتاب ***مشارق الانوار*** رجب برسی مطالبی را نقل می‌کند، در مقدمه ***بحار*** می‌گوید:

> به مطالبی که برسی نقل کرده و مؤیّدی ندارد (ما تفرّد به) اعتماد نمی‌کنم، چون کتابش شامل اشتباه و آمیختگی و ارتفاع (غلو) است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱ / ۱۰)

صاحب کتاب ***اعیان الشیعة*** نیز در مورد این نویسنده می‌گوید:

> در طبع او شذوذ و در مؤلّفاتش اشتباه و غلو وجود دارد که موجب ضرر است و به‌طور کلّی، تألیفات او فایده چندانی ندارد و برخی از آنها مضرّ است. (امین، ۱۴۰۳: ۶ / ۴۶۵)

بنابراین اعتبار نویسنده کتاب ***مشارق الانوار*** و مطالب این کتاب ثابت نیست و براساس دیدگاه مرحوم علامه مجلسی این روایت مورد استناد احسائی، از مصادیق ما تفرّد به رجب برسی است. از این‌رو علامه مجلسی و دیگران به آن اعتماد نکرده‌اند.

اما از حیث محتوایی (در صورت چشم‌پوشی از اشکال سندی و ضعیف بودن منبع آن)، مفاد این روایت نیز قابل تمسک برای شیخ احمد احسائی نیست؛ زیرا این جمله نمی‌فهماند که باید ائمه علیهم السلام را عبادت کرد، بلکه با بیانی تأویلی و باطنی حقیقت همه عبادات به امام برگردانده شده است که مطلبی غیریقینی است و چنین مطالبی مورد انکار و ردّ علمای دین می‌باشد و موجب سوءاستفاده اباحه‌گرایان بوده است.

شیخ احمد احسائی با پذیرش دیدگاه غیرمستند خود در عبادت و اطاعت معصومین علیهم السلام، روایاتی از ائمه علیهم السلام که به صراحت مخالف دیدگاه‌اش بوده را تقیه‌ای می‌داند و به آنها اعتماد نمی‌کند. برای نمونه او روایتی از امام رضا علیه السلام را نقل کرده که حضرت عبادت مردم در مقابل ائمه علیهم السلام را مردود دانسته است و اطاعت مردم از ائمه علیهم السلام را لازم می‌داند ولی شیخ احمد بعد از بیان این روایت می‌گوید: «و کلامه علیه السلام صریح في التقيّة». (احسائی، بی‌تا الف: ۱ / ۷۵) ازاین‌رو شیخ احمد احسائی این روایات صریح را تقیه‌ای می‌خواند و دیدگاه خود را برداشت‌شده از روایاتی دانسته که حتی مؤیّد او نیز به حساب نمی‌آیند.

۳. تبیین نتایج فاعلیت تامه ائمه علیهم السلام در جهان آخرت

شیخ احمد احسائی یکی دیگر از نتایج علت فاعلی دانستن ائمه علیهم السلام را با عنوان «ایاب الخلق الیهم و حسابهم علیهم» مطرح کرده است و در شرح آن باور خود را به اینکه ائمه علیهم السلام در قیامت نیز نقش فاعلی ویژه‌ای در حسابرسی اعمال بندگان و مانند آن دارند، بیان کرده است و این اعتقاد را برگرفته از جملاتی از زیارت جامعه دانسته و در کتاب شرح زیارت جامعه، همین دیدگاه را در شرح برخی از فقره‌های زیارت جامعه آورده است.

شیخ احمد با استناد به فرمایش امام هادی علیه السلام در زیارت جامعه کبیره که فرمود: «إِيَابُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ وَ حِسَابُهُمْ عَلَيْكُم» (صدوق، ۱۴۱۳: ۲ / ۶۱۲) دیدگاه خود را بنانهاده و در توضیح و تشریح آن می‌گوید:

> در حکمت الهی واجب است که حسابرسی بندگان در قیامت به عهده ائمه علیهم السلام باشد و این امری سرّی است و برای کسانی که خداوند به آنها کشف و فهم اسرار را داده، بدیهی و آشکار است؛ بلکه برای صاحبان خرد ضروری به‌نظر می‌رسد و این معنا در روایات چه در ظاهر و چه در باطن و تأویل روایات بیان شده است. (احسائی، بی‌تا الف: ۲ / ۱۵۹)

البته آنچه شیخ بیان کرده است لازمه اعتقادات قبلی او و جایگاه فاعلیت تامه اهل بیت‌علیهم‌السلام است و بنابر دیدگاه‌های او ضروری و واضح به‌نظر می‌رسد.

بررسی و نقد دلایل احسائی در تصرّفات عام ائمه‌علیهم‌السلام در قیامت

رهبر شیخیه این دیدگاه خود را به روایاتی مستند کرده است که در ذیل تبیین شده و به بررسی و نقد آن پرداخته خواهد شد:

دلیل اول

مهم‌ترین دلیل احسائی فرمایش امام هادی‌علیه‌السلام در زیارت جامعه کبیره است. او بر این باور است که این جمله «إِيَابُ الْخَلْقِ إِلَيْكمْ وَ حِسَابُهُمْ عَلَيْكم» گویای فاعلیت تام اهل بیت‌علیهم‌السلام در جهان آخرت اعم از حسابرسی اعمال بندگان و تعیین تکلیف آنها در قیامت است و شیخ ادعا می‌کند این امر بدیهی بوده و استبعادی ندارد. (همان: ۲ / ۱۵۴)

بررسی و نقد

شبیه این تعبیر در قرآن کریم نیز در دو آیه آخر سوره غاشیه چنین بیان شده است: «**إِنَّ إِلَينا إِيابَهُم ثُمَّ إِنَّ عَلَينا حِسابَهُم**». (غایشه / ۲۵ و ۲۶) یعنی به‌یقین بازگشت همه آنان به‌سوی ماست و مسلّماً حسابشان نیز با ماست. این دو آیه نشان‌دهنده دخالت خداوند در امر حسابرسی و انتساب کار به خداست و همین‌که ثابت شود خداوند نیز از بندگان حسابرسی کرده و او فاعل اصلی در صحنه قیامت است، دیدگاه احسائی که کار قیامت را به‌طور کل و مستقلاً واگذارشده به اهل بیت‌علیهم‌السلام می‌داند، مورد مناقشه قرار خواهد گرفت.

اما در تبیین معنای فراز مورد استناد شیخ احمد احسائی می‌توان گفت، در شرح فقره اوّل سخن امام هادی‌علیه‌السلام یعنی «**ایاب الخلق الیهم**» بحث چندانی نشده است؛ ولی چند معنا برای آن قابل تصور است. ازجمله اینکه گفته شود مردم برای حل مشکلات دینی و عقیدتی خود به‌سوی امامانشان برمی‌گردند و ایشان را مرجع حلّ مشکلات دینی خود می‌دانند؛ نه فقط مقصود از آن را بازگشت مخلوقات به‌سوی امامان‌علیهم‌السلام در قیامت بدانیم که نیازمند دلیل است؛ پس نمی‌توان همه امور قیامت را به صورت کامل منحصر در ائمه‌علیهم‌السلام دانسته و برای خدای متعال نقشی قائل نبود.

اما در مورد جمله دوم (حسابهم علیهم) چند معنا قابل تصور است:

۱. اینکه روز قیامت ائمه‌علیهم‌السلام کار حسابرسی را انجام می‌دهند و آنان افراد را در دادگاه الهی به نمایندگی از خداوند محاکمه خواهند کرد. این معنا در برخی روایات نسبت به شیعیان آمده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۸ / ۱۶۲) که امامان‌علیهم‌السلام کار حسابرسی شیعیانشان را خود شخصاً بر عهده می‌گیرند و خداوند این

اجازه را به آنها داده است؛ ولی واگذاری همه امور قیامت به ائمه علیهم السلام و عدم دخالت خداوند در امر برانگیختن از قبر و حسابرسی کارهای بندگان، مورد تأیید قرآن و روایات اسلامی نیست.

۲. روز قیامت همه افراد براساس تعالیم اهل‌بیت علیهم السلام و با میزان آنان حسابرسی می‌شوند. این معنا را برخی روایات تأیید می‌کند؛ مانند دسته‌ای از روایات که وجود امام علی علیه السلام را قسیم بهشت و جهنم دانسته و ولایت اهل بیت علیهم السلام را ملاک سعادت و شقاوت برشمرده است. ازاین‌رو خداوند در قیامت با میزان ولایت علی علیه السلام به حسابرسی افراد می‌پردازد؛ ولی این معنا بی‌ارتباط با دیدگاه شیخ احمد احسائی است و این فراز از زیارت جامعه کبیره نمی‌تواند مستند احسائی باشد و معانی دیگری نیز برای آن متصوّر است.

دلیل دوم

احسائی روایتی از امام صادق علیه السلام را دلیل دیگر خود دانسته و شیخ آن را نقل کرده و همه‌کاره بودن ائمه علیهم السلام در جهان آخرت را از آن برداشت کرده است. رهبر شیخیه این مستند را در کتاب ***شرح الزیارة*** چنین آورده است: «**في الأمالي عن الصادق علیه السلام قال إذا كان يوم القيامة وكّلنا اللّه حساب شيعتنا ...**» (احسائی، بی‌تا الف: ۲ / ۱۶۱) یعنی هنگامی که روز قیامت شد خداوند حساب شیعیان را به ما واگذار می‌کند ... که با این مضمون در کتاب‌های حدیثی شیعه روایاتی وجود دارد که ائمه علیهم السلام به حساب شیعیان خود رسیدگی می‌کنند.

بررسی و نقد

این حدیث در ***أمالی*** شیخ طوسی آمده است (طوسی، ۱۴۱۴: ۴۰۶) امام صادق علیه السلام در این سخن فرموده‌اند وقتی روز قیامت می‌شود خداوند ما را برای حسابرسی از شیعیانمان وکیل می‌کند و هرچه از خدا درباره آنان بخواهیم خداوند به‌واسطه ما به آنان می‌بخشد و هر نعمتی که برای ما باشد برای این شیعیان هم هست.

این روایت امام صادق علیه السلام شامل چند نکته است. اولاً واگذاری بخشی از کارها در قیامت ثابت نمی‌کند که ائمه علیهم السلام در قیامت همه امور را در اختیار دارند؛ بلکه نقش خداوند نقشی اصلی است و صحنه‌گردان قیامتْ خداوند است و همه امور آخرت با اجازه خدای متعال محقق خواهد شد. ثانیاً ائمه علیهم السلام از طرف خداوند وکیل می‌شوند که حسابرسی کنند نه اینکه خداوند همه کارها ازجمله حسابرسی را به آنها واگذاشته باشد و خود به کناری رفته باشد. ثالثاً این‌دسته از روایات، موضوع حسابرسی شیعیان را بیان کرده و دیدگاه شیخ عمومیت دارد و دلیل او اخص از مدّعایش است. پس این روایت نیز عمومیت دیدگاه شیخ را اثبات نمی‌کند و فاعلیت تامه ائمه علیهم السلام در قیامت به‌واسطه این روایات ثابت نشد.

دلیل سوم

دلیل دیگری را که شیخ دراین‌باره ارائه می‌دهد و نزدیکترین مستند به دیدگاه احسائی به حساب می‌آید، روایتی از امام باقرؑ است. در بخشی از این روایت آمده است:

> ... فَيُدْفَعُ إِلَيْنَا حِسَابُ النَّاسِ فَنَحْنُ وَاللَّهِ نُدْخِلُ أَهْلَ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ وَ أَهْلَ النَّارِ النَّارَ ... . (کلینی، ۱۴۰۷: ۸ / ۱۵۹)
>
> حسابرسی عموم مردم در قیامت به ما اهل‌بیتؑ واگذاشته شده است و ما، بهشتیان و دوزخیان را مشخص می‌کنیم و آنها را به جزایشان می‌رسانیم.

در این روایت، موضوع حسابرسی شیعیان فقط مطرح نیست و به‌ظاهر امر حسابرسی و انجام امور قیامت به‌عنوان نتیجه علت فاعلی بودن ائمهؑ به آنان داده شده است و احسائی بعد از استناد به این روایت نتیجه می‌گیرد: «بنابر این روایت همه امور در دنیا و آخرت به ائمهؑ برمی‌گردد». (احسائی، بی‌تا الف: ۲ / ۱۶۱)

بررسی و نقد

این روایت در بخش سوم کتاب ***کافی*** (روضه) آمده است و از حیث سندی مشکلاتی دارد؛ زیرا در سند این روایت آمده است: «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بن زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّد بن سِنَانٍ عَنْ عَمْرِو بن شِمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍؑ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۸ / ۱۵۹) سند این حدیث ارسال دارد و مرسله است؛ زیرا در ابتدای سند می‌گوید «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا» که این عدّه از اصحاب معلوم نیستند (اگرچه برخی این اشکال را با وجود افراد مورد اعتماد در میان اساتید جناب کلینی قابل حل می‌دانند). از طرفی، اگر روایت سهل بن زیاد را بپذیریم (الامر فی السهل سهل) و او را مورد اعتماد بدانیم، افراد دیگر در سند روایت مثل محمد بن سنان نزد شیخ طوسی (طوسی، ۱۳۷۳: ۳۶۴) و نجاشی (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۲۸) ضعیف است و علامه حلی درباره او توقّف کرده و حکم به اعتبار او نمی‌دهد (حلی، ۱۴۱۱: ۳۹۴) از طرف دیگر، آنچه معلوم است عمرو بن شمر در این سند، نزد بیشتر رجالیون ضعیف است. (نجاشی، ۱۴۰۷: ۱۲۸؛ کشی، ۱۴۰۹: ۱۹۱؛ طوسی، ۱۳۷۳: ۱۷۷) و علامه حلی به‌طور خلاصه بر این باور است که به هیچ کدام از مطالب نقل‌شده از او اعتمادی نیست. (حلی، ۱۴۱۱: ۲۵۲)؛ پس با توجه به اشکالات رجالی موجود در سند این روایت، نمی‌توان به صرف استناد به آن، اعتقادی نو را بنیان نهاد و حکمی را ثابت کرد.

اما بررسی محتوای روایت که در مورد روایات اعتقادی از اهمیت بیشتری برخوردار است، نشان‌دهنده این است که برخلاف آنچه شیخ احسائی از آن برداشت کرده، به لحاظ ادبی فاعل فعل‌های اولیه حدیث، همگی خود خداوند است؛ زیرا در روایت آمده:

خداوند روز قیامت همه را جمع می‌کند تا حسابرسی کند. بعد اهل‌بیت علیهم السلام را می‌خواند و از آنها می‌خواهد به حساب مردم (همه یا عده‌ای مثل شیعیان) رسیدگی کنند و بعد پیامبران را فرامی‌خواند و از آنها نیز در حسابرسی بندگان خود استفاده می‌کند و بعد از مشخص شدن تکالیف افراد و وقتی که بهشتیان به بهشت و دوزخیان به دوزخ رفتند، خداوند علی علیه السلام را برمی‌انگیزد و از او می‌خواهد تا در جایگاه‌های بهشتیان وارد شود و ... . (کلینی، ۱۴۰۷: ۸ / ۱۵۹)

ازاین‌رو با دقت در محتوای بیان شده، آشکار است که گرداننده کارها در قیامت، خدای متعال است و فقط در برخی از امور از ائمه علیهم السلام و فرستادگان خود کمک می‌گیرد و این به‌معنای تفویض همه امور قیامت به ائمه علیهم السلام نیست تا شیخ احمد احسائی آن را به‌عنوان نتیجه علت فاعلی دانستن امامان علیهم السلام برگزیند و تفسیر کند که حرفی بدون دلیل و غیر مستند به مکتب اهل‌بیت علیهم السلام است و برخلاف برداشت برخی شارحان کافی و این حدیث می‌باشد. زیرا به‌عنوان نمونه آیت‌الله ملاصالح مازندرانی از این روایت واسطه‌گری ائمه علیهم السلام در برخی از امور در روز قیامت را فهمیده است (مازندرانی، ۱۳۸۲: ۱۲ / ۱۷۱) و این برداشت، سازگار با متن حدیث بوده و همچنین با روایاتی که خود مرحوم کلینی در جایگاه‌های دیگر کافی بیان کرده هم‌خوانی دارد و ردّکننده بیان شیخ و برداشت او از این روایات می‌باشد. این سخن به‌معنای هیچ کاره بودن ائمه علیهم السلام در قیامت نیست، بلکه نقد عدم دخالت خداوند در جهان آخرت و تفویض همه امور جهان آخرت به ائمه علیهم السلام است.

بنابراین دیدگاه شیخ نه‌تنها با این مستندات اثبات نمی‌شود، بلکه همه این روایات که مهم‌ترین و نزدیک‌ترین دلایل به دیدگاه شیخ احمد احسائی به‌شمار می‌آیند، مخالف نظر او بوده و همین روایات نظریه او را در واگذاری همه امور قیامت به امامان علیهم السلام نفی می‌نمایند.

نتیجه

با تبیین دیدگاه شیخ احمد احسائی در نتایج علت فاعلی دانستن ائمه علیهم السلام در امور هستی، آشکار گردید که او آفریدن، روزی دادن، زندگانی بخشیدن و میراندن بندگان را از شئون و نقش‌های ویژه امامان علیهم السلام می‌داند و معتقد است باید عبادت را از طریق معصومین علیهم السلام و برای ایشان یعنی برای مقام علت فاعلی انجام داد و از طرفی همه امور قیامت مانند حسابرسی مخلوقات را نیز به ائمه علیهم السلام منسوب کرد که در این پژوهش با بررسی مستندات احسائی در تبیین این نتایج، اثبات گردید که او برای این دیدگاه‌های افراطی خود به روایاتی تمسک کرده که برخی در منابع مورد اعتبار شیعه وجود نداشتند و یا مشکلات سندی

فراوانی داشتند و برخی از حیث محتوایی نیز مخالف قرآن بودند یا با تحلیل محتوای آنها، چگونگی استناد احسائی به آنها نامعلوم ماند و دیدگاه او قابل استناد به ادله بیان شده نبود. ازاین‌رو برداشت‌های شیخ از برخی از فرازهای زیارت جامعه کبیره و تمسک او به برخی روایات، نتیجه باورهای پیش‌ساخته او بوده و ارتباط خاصی با سخنان ائمه‌علیهم‌السلام ندارد.

بنابراین دیدگاه احسائی در نتایج علت فاعلی دانستن ائمه‌علیهم‌السلام غیر قابل استناد است و مورد تأیید متون دینی نیست و در صورت تمسک به ظاهر برخی از آثار شیخ در موضوع علت فاعلی دانستن ائمه‌علیهم‌السلام موجب تعطیل یا تضعیف نقش فاعلی خداوند در نظام آفرینش شده و افراطی و غالیانه بودن این اعتقاد، آشکار خواهد شد.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.

۲. ابن‌شهرآشوب، محمد بن علی، ۱۳۷۹ ق، ***مناقب آل أبی‌طالب***، قم، علامه.

۳. احسائی، احمد بن زین‌الدین، بی‌تا الف، ***شرح الزیارة الجامعة الکبیرة***، بی‌جا، بی‌نا. (نسخه تصحیح‌شده شیخیه در سایت الأبرار به آدرس www.alabrar.com)

٤. احسائی، احمد بن زین‌الدین، بی‌تا ب، ***شرح العرشیة***، بی‌جا، بی‌نا. (نسخه سایت الأبرار به آدرس www.alabrar.com)

۵. اسکوئی، میرزا موسی، ۱۳۸۵ ق، ***احقاق الحق و ابطال الباطل***، نجف، بی‌نا.

٦. افضلی، محمدعلی، ۱۳۹۸، «بررسی و نقد دلائل سیدکاظم رشتی و محمدکریم خان کرمانی در علت فاعلی دانستن ائمه‌علیهم‌السلام»، ***انتظار موعود***، س ۱۹، ش ٦۵، ص ۱۵۲ ـ ۱۳۵.

۷. امین، سید محسن، ۱٤۰۳ ق، ***اعیان الشیعة***، بیروت، دار التعارف للمطبوعات.

۸. برسی، رجب، ۱٤۱۹ ق، ***مشارق أنوار الیقین فی أسرار أمیرالمؤمنین***، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

۹. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۳۸۵، ***أمل الآمل***، بغداد، مکتبة الأندلس.

۱۰. حلی [علامه]، حسن بن یوسف، ۱٤۱۱ ق، ***خلاصةالاقوال فی معرفة احوال الرجال***، قم، دار الذخائر.

۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱٤۲۵ ق، ***المفردات فی غریب القرآن***، قم، ذوی القربی.

۱۲. رشتی، سید کاظم بن سید قاسم، بی‌تا، ***حجةالبالغة***، بی‌جا، بی‌نا (نسخه سایت الأبرار).

۱۳. زرگوش‌نسب، عبدالجبار، علی آل‌بویه و علیرضا سلیمی، ۱۳۹۲، «نقد و بررسی نظریاتی درباره اصحاب اجماع»، ***مبانی فقهی حقوق اسلامی***، سال ٦، ش ۱۱، ص ٤٦ ـ ۳۱.

۱۴. صادقی، مصطفی، ۱۳۸۳، «خطبة البیان و خطبه‌های منسوب به امیرمؤمنان»، ***علوم حدیث***، دوره ۹، ش ۳۳، ص ۸۳ ـ ۴۹.

۱۵. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، ۱۳۷۸، ***عیون أخبارالرضا*** علیه السلام، تهران، جهان.

۱۶. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، ۱۴۱۳ ق، ***من لایحضره الفقیه***، قم، اسلامی.

۱۷. طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، ***مجمع البحرین***، تهران، مرتضوی.

۱۸. طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۷۳، ***رجال الطوسی***، قم، مؤسسة النشر الإسلامی.

۱۹. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ ق، ***الأمالی***، قم، دارالثقافة.

۲۰. کشی، محمد بن عمر، ۱۴۰۹ ق، ***رجال الکشی (اختیار معرفة الرجال)***، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.

۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۷۵، ***اصول کافی***، ترجمه کوه کمره‌ای، قم، اسوه.

۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، ***الاصول من الکافی***، تهران، دار الکتب الاسلامیة.

۲۳. مازندرانی، محمدصالح بن احمد، ۱۳۸۲، ***شرح الکافی؛ الاصول و الروضة***، تهران، المکتبة الاسلامیة.

۲۴. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، ۱۴۰۳ ق، ***بحارالأنوار الجامعة لدرر أخبار أئمّة الأطهار***، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی.

۲۵. مشکور، محمدجواد، کاظم مدیر شانه‌چی، ۱۳۸۷، ***فرهنگ فرق اسلامی***، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

۲۶. نجاشی، احمد بن علی، ۱۴۰۷ ق، ***رجال نجاشی (فهرست اسماء مصنفی الشیعة)***، قم، جامعه مدرسین.